Archive of SID.ir

University of Tehran Press

Islamic Jurisprudential Researches

Online ISSN: 2423-6195

Home Page: https://jorr.ut.ac.ir

Criticism of Law and Plan of Interest-Free Banking Operation

Seyyed 'Ali Mohammad Yathrebi Qomi

Department of Energy Law and International Trade, Department of Law, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran, Email: Yasrbi@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received May 29, 2023
Revised July 23, 2023
Accepted August 6, 2023
Published Online 02 October 2023

Keywords:
Islam,
Economy,
Interest-Free Bank,
Mobilization,
Allocation of Money

ABSTRACT

The economy section of the constitution of Islamic Republic of Iran requires that the system of banking, as the heart of economy of the country, be changed. Therefore, the law of "interest-free banking operation" was passed in 1983 and as for the law it gained a new form by mobilizing and allocating resources. It is hoped that establishment of a correct banking and monetary system can cause proper economy growth, removal of poverty and unemployment, curbing inflation, booming capital market, and decreasing money market. And it can show a successful pattern of interest-free economy measures in the modern world. A less complicated evaluation of the performance of the banking system indicates that unfortunately it could not practically achieve the expected aims stipulated in the law. What is the problem? Whether the executive regulations are not in harmony with the law, or the sample contracts based on regulations are not in agreement with the law or other laws are not in harmony with this law. After good studies and researches, a complementary plan is proposed by the honorable representatives of the tenth Islamic Parliament to replace it. Can this plan remove its possible shortcomings and complete its advantages? The considered supervisory authority can resolve problems. The Present article discusses the above-mentioned matters. In addition, this issue has been delayed for a while. Now that the plan is to be passed, it sounds that a number of shortcomings are removed and by the prevision of the supervisory authority and the new capabilities, the problem is removed which will be discussed in another time.

Cite this article: Mohammad Yathrebi Qomi, A. (2022). Criticism of law and Plan of Interest-free Banking Operation. *Jurisprudence Research*, 19 (3), 219-235. DOI: http//doi.org/10.22059/jorr.2023.360079.1009308

Author: Seyyed 'Ali Mohammad Yathrebi Qomi
DOI: http//doi.org/10.22059/jorr.2023.360079.1009308

Publisher: University of Tehran Press.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

انتشارات دانشگاه تهران

نشریه پژوهش‌های فقهی

سایت نشریه: https://jorr.ut.ac.ir/

شاپا الکترونیکی: ۶۱۹۵-۲۴۲۳

نقد قانون و طرح عملیات بانکی بدون ربا

سیدعلی محمد یثربی قمی

گروه حقوق انرژی و تجارت بین‌الملل، دانشکدهٔ حقوق، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران رایانامه: Yasrbi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

کلیدواژه:
اسلام؛
اقتصاد؛
بانک؛
ربا؛
بانک بدون ربا؛
تجهیز؛
تخصیص پول

چکیده

بخش اقتصاد قانون اساسی جمهوری اسلامی اقتضا داشت که نظام بانکداری به عنوان قلب اقتصاد کشور متحول شود. به همین دلیل «قانون عملیات بانکی بدون ربا» در سال ۱۳۶۲ تصویب شد و با تجهیز و تخصیص منابع از نظر قانونی به شکل نوینی درآمد؛ به این امید که اقامه یک نظام پولی و بانکی صحیح می‌تواند موجب رشد اقتصادی مناسب، رافع فقر و بی‌کاری، مهارکنندهٔ تورم، رونق‌بخش بازار سرمایه، و کاهندهٔ بازار پول باشد و الگوی موفقی از اقدامات اقتصادی بدون ربا را در دنیای امروز نشان دهد. ارزیابی نه‌چندان پیچیده از عملکرد نظام بانکی گویای آن است که متأسفانه این قانون نتوانسته است در عمل به نحو مورد انتظار به اهداف تصریح‌شده در خود قانون دست یابد. آیا آیین‌نامه‌های اجرایی هماهنگ نبوده یا قراردادهای نمونه مبتنی بر آیین‌نامه‌ها با قانون هماهنگ نشده یا قوانین دیگر با این قانون هماهنگ نشده است؟ پیرو بررسی‌های شایسته، طرحی از ناحیهٔ نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی دورهٔ نهم برای تکمیل و جایگزینی ارائه شده است. آیا این طرح رافع کاستی‌های احتمالی و تکمیل‌کنندهٔ محسّنات آن است؟ نهاد ناظر مطرح گشایندهٔ مشکل‌ها خواهد بود؟ نگاشتهٔ پیش رو به مطالب پیش‌گفته می‌پردازد. به‌علاوه، مدتی این مثنوی تأخیر شد تاکنون که آن طرح در جریان تصویب قرار گرفته است گویا برخی از نقاط ضعف برطرف، با پیش‌بینی نهاد ناظر و ظرفیت‌های نو مشکل حل شده است که در فرصتی دیگر به آن خواهیم پرداخت. این زمان بگذار تا وقت دگر به امید امید ناامیدان.

استناد: یثربی قمی، علی‌محمد (۱۴۰۲). نقد قانون و طرح عملیات بانکی بدون ربا. *پژوهش‌های فقهی*، ۱۹ (۳)، ۲۱۹-۲۳۵.
DOI: http//doi.org/10.22059/jorr.2023.360079.1009308

© نویسنده: علی‌محمد یثربی قمی

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
DOI: http//doi.org/10.22059/jorr.2023.360079.1009308

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

فرهنگ «وام‌دهی ربوی» با اخذ مجوز بانک و ایجاد شعبهٔ بانک هند شرقی تحت عنوان «بانک شاهنشاهی» در جنوب و «بانک استقراض روسی» در شمال کشور در زمان ناصرالدین شاه شکل گرفت. در سال ۱۳۰۴ شمسی «بانک قشون» ایجاد شد. در سال ۱۳۰۷ شمسی «بانک ملی» به جای بانک شاهنشاهی نشست. اولین بانک خصوصی در سال ۱۳۲۷ شمسی تحت عنوان «بانک بازرگانی» ایجاد شد. بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا پیروزی انقلاب اسلامی ۳۶ بانک با سرمایهٔ مخلوط خارجی و داخلی و دولتی شریان اقتصاد جامعه را در دست داشت و در حقیقت این سرمایه‌ها در تیول سرمایه‌داران بود. برخی تعاملات با بانک تأیید و برخی نقض می‌شد. طرح‌های بانکداری بدون ربا و قرض‌الحسنه به طور موازی و غیر رسمی برخی از نیازها را برطرف می‌کرد. طراحان و سابقون در این عرصه آیت‌الله شهید صدر و آیت‌الله شهید مطهری و آیت‌الله شهید بهشتی بودند و ایده‌های این بزرگان در محیط‌های علمی مطرح بود. با پیروزی انقلاب اسلامی، شورای انقلاب تعداد بانک‌ها را به ۹ بانک تقلیل داد و سرانجام قانون عملیات بانک بدون ربا در سال ۱۳۶۲ به طور آزمایشی تصویب شد. اما با گذشت بیش از ۳۳ سال و رویارویی با نتایج مثبت و منفی به تحول و تغییر منجر به طرح جدید برای تغییر و تبدیل در عرصهٔ قانون‌گذاری احساس نیاز شد. نکتهٔ کلی در این ساحت ایده و نظریهٔ طراح اصلی عملیات بانک بدون رباست که بعد از جمهوری اسلامی مطرح شد. بانکداری اسلامی در فضای اقتصاد اسلامی باب دیگری است که باید ملاحظه شود. «بانکداری بدون ربا» رقیب سایر بانک‌های سنتی و متعارف است. این ایده یک مسئله است و بانکداری اسلامی در طرح تعیین اقتصاد اسلامی در نظام اسلامی مسئلهٔ مستحدث دیگری. شهید صدر وعده فرمودند که در مقالهٔ بعدی طرح تفصیلی بانکداری در نظام اسلامی را ارائه کنند که با شهادت ایشان بخش دوم طرح ناکام ماند. به هر حال، امید است تلاش صاحب‌نظران بتواند جایگاه بانکداری اسلامی را در نظام اسلامی از جهت نظری و عملی سامان دهد. این نگاشته درصدد روشن ساختن برخی از ابعاد این مهم است.

نقد، پیشینه، روش تحقیق

چون این بحث بین‌رشته ای است، تلفیقی از روش تحقیق پویای سنتی در کشف حکم و تحقیق موضوعی در اقتصاد و تجزیه‌وتحلیل حقوقی در مسائل حقوقی است. پیشینهٔ تحقیق از زمانی است که قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب شد و به‌خصوص استادان اقتصادی فقه آشنا به آن پرداختند؛ چه در قالب مقالات و کتاب‌ها و سمینارها به طور مستقل چه همراه سایر مباحث اقتصادی. و اما نقد یعنی ارزیابی و عیب‌ها را نمایاندن و پنهان‌ها را رو آوردن: «نقد الدراهم میّزها و نظرها لیعرف جیدها من ردیئها». نقد درهم یعنی نظر کردن و جدا کردن آن‌ها و به دست گرفتن و پول‌های قلابی را از بین آن‌ها بیرون کشیدن. «نقد الکلام اظهر ما به من العیب.» مرز نقد باید مشخص باشد تا از شماتت فاصله بگیرد. نقد از طلب و شناخت و سنجش مایه می‌گیرد. در یک کلام، معیارِ نقد منطقِ آزاد و عقل خداداد است.

بانک بدون ربا و بانک اسلامی

عنوان اول: نفی بانکداری سرمایه‌دارانه

اسلام بانکداری سرمایه‌داران را تأیید نمی‌کند. چون این شیوهٔ بانکداری هم با احکام شرعی فقهی در حوزهٔ حقوق خصوصی و قانون مدنی فقه اسلامی به جهت اقراض و اقتراض توأم با بهرهٔ بانکداری سرمایه‌دارانه تناقض دارد هم با اساس اقتصاد اسلامی و روح عمومی آن در توزیع و بهره‌مندی از ثروت متناقض است. به همین جهت، فکر بانکداری بدون ربا به منزلهٔ مرحله‌ای مقدماتی برای بانکداری اسلامی ترسیم شده است؛ وگرنه اگر چهارچوب فکری همان سرمایه‌داری غربی باشد، همان می‌شود که مسئول نالایقی به نابغهٔ فقه اقتصادی معاصر، شهید آیت‌الله صدر، گفته بود: «من وقتی اصطلاح بانک بدون ربا را شنیدم همان قدر متعجب و متحیر شدم و عقل از سرم پرید که وقت شنیدن دایرهٔ مربع». عین متن شهید علم و فضیلت این است: «من الواضح ان الاسلام لا یقر البنک الرأسها لی بصورته التی شرحناها لانه اولاً یتناقض مع احکام الشریعه الاسلامیه و القانون المدنی للفقه الاسلامی التی حرمت الاقراض بفائده و ثانیاً یتناقض مع اسس الاقتصاد الاسلامی و روحه العامه فی توزیع الثروه و استثمارها و علی هذا الاساس قامت فکره (البنک اللاربوی) لکی تکون تجسیداً لا طروحه بنکٍ اسلامی.» (صدر، ۱۴۲۸: ۲۰۱). به جهت اهمیت موضوع، ترجمهٔ فارسی عین کلام ایشان را می‌آوریم:

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پرسش اساسی این است که موضع اسلام در زمینهٔ بانک سرمایه‌داری چیست و اسلام چگونه می‌خواهد بانک اسلامی ملتزم به شرع را پایه بگذارد؟

بانک اسلامی

روشن است که اسلام بانک سرمایه‌داری را با شرحی که ارائه کردیم به رسمیت نمی‌شناسد. زیرا:

نخست. این نظام بانکی با فرامین شریعت اسلامی و قانون مدنی برخاسته از فقه اسلامی که وام دادن در برابر سود را حرام کرده است در تناقض است.

دوم. چنین بانکی با مبانی اقتصاد اسلامی و روح کلی آن در مورد توزیع ثروت و نحوهٔ به‌کارگیری آن نمی‌سازد.

بر همین اساس است که اندیشهٔ بانک بدون ربا شکل گرفته است تا طرح بانکداری اسلامی را تجسم بخشد. چنین اندیشه‌ای برای ذهنیت‌هایی که آکنده از روح وابستگی است و در پیوند با واقعیت فاسد و مملو از انگاره‌های انسان غربی دربارهٔ زندگی و نهادهای اجتماعی آن است شگفت‌آور به نظر می‌رسد. انسان مسلمانی که روند انحراف در جهان اسلامی ما او را وزیر کشورش ساخته است این شگفتی را به زبان می‌آورد. چنین کسی با همهٔ سادگی و صراحت کودکانه به من گفت: «من وقتی اصطلاح بانک بدون ربا را شنیدم همان قدر متحیر شدم که وقت شنیدن دایرهٔ مربع».

تفاوت بنیادی میان دو موضع

در قلمرو آشنایی با طرح بانک اسلامی ضروری است دو موضع متفاوت را به صورت بنیادی از هم جدا کنیم:

الف) موضع کسی که می‌خواهد برای بانک بدون ربا ضمن برنامه‌ریزی فراگیر برای جامعه طرح بریزد؛ یعنی پس از آنکه رهبری کامل همهٔ حوزه های جامعه را در اختیار گرفت طرح اسلامی خویش را برای بانک به عنوان بخشی از طرح فراگیر اسلامی برای همهٔ جامعه پی افکند.

ب) موضع کسی که می‌خواهد برای تأسیس بانک اسلامی به نحو مستقل از بخش‌های دیگر جامعه برنامه‌ریزی کند؛ یعنی او تداوم واقعیت فاسد و چارچوب اجتماعی غیر اسلامی جامعه، استمرار نهادهای ربوی دیگر، چه بانک چه غیر بانک، و شایع شدن محتوا و روح نظام سرمایه‌داری در زندگی اقتصادی و فکری و رفتاری مردم را مفروض می‌گیرد.

این دو جهت‌گیری اختلاف بنیادی دارند. زیرا در سطح موضع دوم، هنگام طراحی بانک اسلامی، به طور معمول به حل تناقض اول میان بانک اسلامی و سرمایه‌داری بسنده می‌شود. این تناقض تناقض بانک سرمایه‌داری با فرامین شریعت اسلامی و قانون مدنی مبتنی بر فقه اسلامی است. به این جهت است که صاحبان این موضع تلاش می‌کنند به یک قالب نظام بانکی دست یابند که وام دادن یا وام گرفتن در برابر سود در آن نباشد و در عین حال چارچوب مناسب برای زندگی و حرکت در چارچوب غیر اسلامی جامعه و زمینهٔ اعتقادی آن باشد. همچنین بر همگامی با بانک‌های دیگری که فعالیت‌های ربوی را پس از تأسیس این بانک (که تصمیم ایجاد آن اخذ شده) ادامه خواهند داد توانا باشد.

در قلمرو محدودی مانند این موضع (دوم) حل تناقض دوم نیز امکان ندارد و این هم میسر نیست که درصدد سازگاری میان نقش بانک و فعالیت آن، میان مبانی‌ای که مذهب اقتصادی اسلام بر آن استوار است، باشیم یا روح کلی این مذهب را در واقعیت بانک غیر ربوی تجسد بخشیم. حتی حرام کردن ربا با اینکه در قالب قانونی در بانک بدون ربا، که در سرزمین و جامعهٔ غیر اسلامی تأسیس شده است، خود را نشان خواهد داد، روح و مفاد مذهبی-اقتصادی چنین تحریمی (حرمت ربا) در ساختار این بانک ظهور نخواهد یافت.

این مشکل به این جهت است که تنها حل تناقض نخست به معنای رهایی یافتن از سیستم‌هایی که به لحاظ اسلامی و فقهی غیر قانونی هستند نخواهد بود. رها شدن از چارچوب معاملهٔ غیر مجاز به لحاظ قانونی، مانند دادوستد با وام‌های ربوی، به نتایج حقیقی‌اش نمی‌انجامد و به اهداف و دستاوردهایی که مذهب اقتصادی از حرام کردن این دسته از اشکال معاملهٔ غیر قانونی به دنبال آن‌اند نمی‌رسد، مگر اینکه تلاش برای رهایی و تحریم به پس‌زمینه‌های این دسته از دادوستدها گسترش یابد. نظام اسلامی کلیتی را تشکیل می‌دهد که اجزای آن به هم پیوسته است و تطبیق هر جزئی فرصت‌ها و امکانات توفیق جزء دیگر را برای تطبیق فراهم می‌سازد و آن را در ایفای نقش اسلامی متداولش یاری می‌رساند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اما در حد و سطح موضع نخست، یعنی در صورتی که بخواهند بانک اسلامی را در جامعهٔ اسلامی تأسیس کنند و نه اینکه درصدد تأسیس بانک اسلامی در جامعهٔ غیر اسلامی برآیند، رها شدن از تناقض نخست به‌تنهایی کافی نیست؛ باید هر دو تناقض میان بانک سرمایه‌داری و بانک اسلامی حل شود و این‌گونه به بانکی حقیقتاً اسلامی دست یافت که بخش اصیلی از چهرهٔ کامل اقتصاد جامعهٔ اسلامی را تشکیل و نشان دهد و فقط وصله‌زنی یا اصلاح بانک سرمایه‌داری نباشد.

تمایز میان فعالیت سرمایه‌داری و خدماتی

بر اساس آنچه گذشت، از آغاز میان دو دسته از فعالیت‌هایی که بانک سرمایه‌داری انجام می‌دهد یعنی فعالیت سرمایه‌داری و فعالیت‌های خدماتی ـ چنان که پیش از این توضیح دادیم ـ تفکیک می‌کنیم. فعالیت خدماتی بانک در اختیار عموم قرار می‌گیرد پس از آنکه از تحقق سه شرط مطمئن شوند:

نخست. خدمات فوق از جنس فعالیت باشد؛ یعنی فعالیت‌ها واقعاً خدمات باشند و آنچه بانک به دست می‌آورد در برابر کار باشد نه اینکه کار صرفاً پوشش اسمی برای درآمد استثماری و سرمایه‌داری باشد.

دوم. خدماتی که بانک ارائه می‌دهد از نظر عمومی خدمات سالم و سازگار با مصالح جامعه باشد.

سوم. ساختارهای دادوستد قانونی در فعالیت‌های خدمات بانکی فوق مبتنی بر فقه اسلامی باشد.

بانک در جامعهٔ اسلامی، به جای استفاده از ابزار سرمایه‌داری در جهت وظیفهٔ عینی خویش، از وسایلی در این خصوص بهره می‌گیرد که خصوصیت اسلامی دارد و بدین‌سان جامعه به دستاوردهای واقعی که حاصل فعالیت بانکی در زندگی اقتصادی است و در عین حال در چارچوب مذهب اقتصاد اسلامی قرار دارد و هم‌ساز با خطوط کلی زندگی اسلامی است دست پیدا می‌کند. این امر در حقیقت از تحول بزرگ در سرشت فعالیت بانکی خبر می‌دهد.

تحول در ماهیت فعالیت بانکی

می‌توان این تحول را در دو موضوع خلاصه کرد:

نخست. در جامعهٔ اسلامی دولت کار گردآوری دارایی‌ها و به‌کارگیری آن را از طریق بانک رسمی عهده‌دار است و به بهره‌گیری‌های بانکی به وسیلهٔ بخش خصوصی اجازهٔ حضور نمی‌دهد. با این ویژگی هدف توسعه‌ای این کار از روح سرمایه‌داری آن جدا می‌شود. زیرا کار گردآوری دارایی‌ها از این پس کاری اجتماعی خواهد بود.

دوم. دولت در گردآوری دارایی‌ها و مقادیر پراکندهٔ پول یا پول‌هایی که مالکان آن را ذخیره کرده‌اند به درآمد ثابت تحت عنوان سود، آن‌گونه که بانک سرمایه‌داری از آن استفاده می‌کند، نمی‌اندیشد و به این روش تکیه نمی‌کند؛ بلکه برای سیاست‌گذاری در این حوزه حقایق و گزاره‌های برگرفته از مذهب اقتصادی خود و آنچه از روح کلی قانون‌گذاری اسلامی الهام گرفته می‌شود را ترکیب می‌کند.

قضایا و گزاره‌های یادشده عبارت‌اند از:

الف) سود (گرفتن و دادن) حرام است. زیرا حقیقت سود مزدی است که سرمایه‌دار برابر استفاده‌ای که وام‌گیرنده از مالش می‌برد آن را مطالبه می‌کند. دیدگاه اسلامی دربارهٔ مزد این است که مجاز است با این وصف که در برابر کاری قرار گیرد؛ کاری که در برابر مزد به تحلیل می‌رود و در خلال بهره بردن از چیزی در آن (چیز) ذخیره می‌شود. در حالی که در سرمایهٔ نقدی وقتی به عنوان ادای وام برگردانده می‌شود این‌گونه نیست و کاری را صورت نمی‌دهد که در آن ذخیره شود (مراد این است که مزد در برابر ارزش افزوده در شیء که از خلال کار به دست می‌آید مجاز است). بنابراین، از نظر اسلامی توجیهی برای پرداخت مزد در برابر آن نیست. پس، در اسلام توجیهی برای دریافت مزد وجود ندارد.

ب) انباشتن طلا و نقره و انفاق نکردن آن‌ها در راه خدای تعالی حرام است: «و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند ایشان را به عذابی دردناک خبر ده!» (توبه/ ۳۴).

طلا و نقره در این آیه نمونه‌هایی از پول است و بر این اساس شأن پول این است که انفاق شود و این بدین معناست که انباشتن پول حرام است. مفهوم انباشتن مفهومی کش‌دار است و بر اساس مقدار امکانات جریان یافتن دارایی در زندگی اقتصادی مشخص می‌شود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

گاهی این موضوع سبب می‌شود رکود دارایی نزد صاحب مال به مدت یک سال کامل شرط ثابت شدن زکات بر طلا و نقره شود؛ بر این اساس که زندگی اقتصادی در این صورت شرایط بهتری برای جریان انداختن دارایی فراهم نکرده است. بنابراین، برای اینکه راکد بودن پول انباشتن به حساب آید باید دارایی فوق در دست صاحبش یک سال کامل راکد بماند.

ایدهٔ حرمت انباشتن پول مبتنی بر دیدگاه اسلام در خصوص پول است. اسلام بر آن است که دادوستد در اصل دادوستد اموال پاک، یعنی دادوستد کالا در برابر کالا، است؛ وضعی که ما در عصر دادوستد کالا به کالا و پیش از ظهور پول داشتیم. زیرا این روش تنها روشی است که برای هر تولیدگری در جامعه تضمین می‌کند تا تولیدش را به گونه‌ای معامله کند که نیازمندی‌اش را رفع کند. از سوی دیگر به میان آمدن پول هم برای از بین بردن کیان دادوستد کالا به کالا نبود، بلکه برای آسان کردن آن بود؛ به این معنا که گندم‌کار به جای معاملهٔ مستقیم گندم و پنبه گندم می‌کاشت و آن را با پول معامله می‌کرد و سپس با پول حاصل از آن پنبه می‌خرید. در این صورت دادوستد میان گندم و پنبه همچنان پابرجا بود؛ با این تفاوت که از این طریق دو کار صورت می‌گرفت.

اما وقتی پول به ابزار انباشتن تبدیل شود و گندم‌کار گندمش را به پول بفروشد و سپس به انباشتن پول اقدام کند و با آن پنبه نخرد به این معنا خواهد بود که پنبه یا به تعبیر عام‌تر بخشی از تولید کلی جامعه از وارد شدن به بازار و ایفای نقش خویش در تبدیل شدن به پول و سهم گیری دوباره در تولید ناتوان خواهد شد. در برابر، انباشتن برای عامل خویش (صاحب پول) توانمندی‌های جدید بهره‌وری و تصرف بازار را خواهد آفرید؛ به نحوی که اگر این روند ادامه یابد دیگر به کار بستن روح معاملهٔ کالا به کالا به صورت امن فراهم نخواهد شد و وجود پیدا نخواهد کرد.

ج) اصل زکات در اسلام دربردارندهٔ مالیات و عوارضی بر انباشتن پول است. زیرا این اصل نسبت مشخصی را بر دارایی (طلا و نقره) که در خلال یک سال انباشته شده است واجب می‌کند. اگر گفتهٔ قبلی را در این خصوص ملاحظه کنیم که تعیین یک سال (برای صدق انباشتن) گاه به شرایط اقتصادی عصر تشریع برمی‌گردد و همچنین اگر مباحثی را که در خصوص اقتصاد اسلامی بیان کردیم و گفتیم که اصل زکات قابل گسترش و تطبیق بر دارایی‌های مختلف را بر اساس نظر ولی امر شرعی دارد بررسی کنیم، می‌توانیم به ایده‌ای برسیم که بنیاد و روح کلی آن اسلامی است. این ایده این است که می‌توان در برابر انباشتن دارایی از طریق قرار دادن مالیات بر پولی که ذخیره و انباشته شده است ایستاد. این ایده در علامت‌ها و خطوط کلی متون اسلامی که بر اساس آن «منطقهٔ فراغ» را می‌توان پوشش داد آمده است. بر این اساس، ولی امر در حدود صلاحیت‌های خویش می‌تواند عناصر پویا و متحرک را در اقتصاد اسلامی قرار دهد و برای او ممکن است که مالیات فوق را بر اساس صلاحیت‌هایی که در اختیار دارد بر دارایی‌های انباشته لحاظ کند.

ضرورتی ندارد که این مالیات به شکل جمع‌آوری باشد، بلکه می‌توان به روش‌های جدیدتر آن را دریافت کرد؛ مانند روشی که بسیاری از مالیات‌ها یا کارمزدها و درآمدهای دولتی را با آن اخذ می‌کنند. چنان که دولت اشخاص را ملزم می‌کند بر شکایت یا سند و امثال آن تمبر مالی بچسبانند، به همین روش می‌توان مالیات انباشتن دارایی را دریافت کرد.

تربیت اسلامی مبتنی بر نیکوکاری و ایثار که جامعهٔ اسلامی فرد را بر اساس آن بار می‌آورد منطق ویژهٔ دادوستد را می‌آفریند و این منطق از منطق معاملهٔ مالی و مادی بسیار متفاوت است؛ تجارتی که در اصطلاح قرآن کریم بدون کساد و بی‌زیان است (فاطر/ ۲۹). همچنین تشویق فراوان بر کمک به مستضعفان و قرض دادن به نیازمندان بر اساس روح برادری و محبت و در جست‌وجوی ثواب و مغفرت الهی بودن، همه و همه، زمینهٔ روحی و روانی بی‌همتایی را شکل می‌دهد که در فضای آن انگیزه‌های خیر می‌روید و برای بسیار مردمان شوق قرض دادن به انگیزهٔ نیکی فراهم می‌شود.

آنچه گفتیم یک فرض آرمانی در جامعهٔ اسلامی نیست؛ یک حقیقت است و شواهد و علائم بسیاری برای آن وجود دارد. از جملهٔ این شواهد وجود صندوق‌های قرض‌الحسنه است که پیش از شکل‌گیری جامعهٔ اسلامی به وجود آمد و از خلال حس نیکوکاری و ایثار رشد یافت؛ امری که سبب شد بسیاری از مردم داوطلبانه بخشی از دارایی‌های خویش را برای قرض دادن بدون سود اختصاص دهند. حال اگر این وضعیت پیامد تربیت اسلامی بر فردی است که در سایهٔ جامعهٔ اسلامی نزیسته است، اثر این تربیت را در قلمرو جامعهٔ اسلامی متکامل چگونه می‌توان حدس زد؟

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سوم. مشخص شد که بانک در جامعهٔ اسلامی برای اجرای وظیفهٔ واقعی و ایفای نقشش در زندگی اقتصادی بر یک مرکب نظری تکیه می‌کند. حال می‌توان از روشی اطلاع پیدا کرد که بانک اسلامی را قادر می‌سازد تا مقادیر اندک پول را بدون وسوسهٔ صاحبان آن به فایده‌ای ربوی یا استفاده از روش‌های سرمایه‌دار گرد آورد. بانک اعلان می‌کند که برای دریافت هر مقدار پولی که صاحب آن برای امانت گذاردنش علاقه دارد آماده است و دو روش را برای دریافت مشخص می‌کند:

روش نخست. در قالب وام ضمانت‌شده‌ای که بانک دریافت می‌کند و در برابر امانت‌گذار مدیون است و در این صورت امانت‌گذار به شکل‌های ذیل از این پول استفاده می‌کند:

الف) حفظ مال و اطمینان از مصونیت آن. زیرا در این صورت پول بر عهده و ذمهٔ بانک است و بانک متعهد به پرداخت آن در هر زمانی است که مالک پول بخواهد یا متعهد به پرداخت پول در زمانی است که دو طرف بر سر آن توافق کرده‌اند.

ب) حفاظت ارزش واقعی پول. توضیح این سخن این است که ارزش پول همواره سیر نزولی دارد و تورم پولی سبب کاهش پیوستهٔ قدرت خرید پول می‌شود و در نتیجه از ارزش واقعی آن می‌کاهد. بنابراین، اگر فردی بخواهد پولش را برای مدت زمان طولانی نزد خودش نگه دارد، این در واقع حفاظت صوری آن پول یا اوراق نقدی خواهد بود. ولی این پول‌ها ارزش واقعی‌اش را پس از مدت زمان طولانی از دست خواهد داد. از اینجاست که امتیاز نگهداری پول در بانک در قالب وام به بانک روشن می‌شود؛ چه اینکه بانک این پول را با قیمت حقیقی‌اش عهده‌دار می‌شود. زیرا این اوراق نقدی، گرچه مثلی‌اند، مثل آن صرف ورق نیست، بلکه مثل آن چیزی است که بهای آن را داشته باشد. پس، این ربا نخواهد بود اگر بانک در هنگام بازپرداخت پول مقداری را بپردازد که برابر ارزش آن اوراق در هنگام دریافت از مالک است و ارزش واقعی پول بر اساس طلا و صرف کردن پول به طلا به دست می‌آید.

ج) دستیابی به اجر و ثواب. در صورتی که صاحب پول علاقه‌مند باشد بخشی از پولش را برای وام دادن به نیازمندان و تهی‌دستان اختصاص دهد مبلغی را در صندوقی که مخصوص این کار است قرار می‌دهد.

جز مواردی که بیان کردیم، امانت‌گذار حق ندارد از بانک کارمزد یا سودی مطالبه کند.

روش دوم. در قالب مضاربه یا سپردن پول به بانک به این منظور است که بانک آن را در طرحی از طرح‌های اقتصادی به کار گیرد. در این صورت، سپرده‌گذار درصد معینی از سودهای حاصله را که دربارهٔ آن با بانک توافق کرده است می‌تواند مطالبه و دریافت کند و بقیهٔ سود را کسی که عامل و متولی طرح است دریافت خواهد کرد. اگر خود بی‌واسطه عامل است و سرمایه را به کار می‌اندازد، بقیهٔ سود متعلق به بانک است. ولی اگر بانک این کار را بر اساس مضاربه به یکی از مشتریان ثابتش واگذار کرد. حق دلالی به مقدار کار وابسته است و بر اساس آن مشخص می‌شود.

اگر سپرده‌گذار به شکل دوم پولش را در بانک بگذارد، از ضمانت برخودار نخواهد بود و اگر خسارتی بدون افراط و تفریط رخ دهد او در زیان شریک است. زیرا سپرده‌گذار در این صورت در سودهای حاصل از کار شریک است و سودی بدون وارد شدن در کار و پذیرش مسؤلیت‌های ریسک کردن وجود نخواهد داشت.

در هر دو صورت‌های فوق، مبلغی که به عنوان سپرده در بانک قرار دارد از مالیات انباشتگی بخشیده می‌شود.

در پرتو مطالب یادشده درمی‌یابیم که بانک اسلامی در کار گردآوری پول و فعلیت بخشیدن به آن بر ایجاد انگیزه‌هایی برای این کار تکیه می‌کند؛ انگیزه‌هایی که صاحبان مال را به امانت‌گذاری سوق می‌دهد. این انگیزه‌ها، چنان‌که پیش از این بیان شد، در چند مورد خلاصه می‌شود:

انگیزهٔ نخست حفاظت از پول و ضمانت سالم ماندن آن است، در صورتی که سپرده‌گذاری به شکل اول باشد.

انگیزهٔ دوم حفاظت از قیمت واقعی پول است، در صورتی که برای دارندهٔ مال مقدور نباشد که مال را با حفظ قیمت واقعی‌اش نزد خود نگه دارد.

انگیزهٔ سوم دستیابی به درصدی از سودهاست، در صورتی که سپرده‌گذاری به شکل دوم باشد و صاحب مال خود را پذیرای خسارت سازد، در جایی که خسارتی رخ دهد.

انگیزهٔ نهایی رهایی از مالیات انباشتن سرمایه است که اگر مالک آن را نزد خود نگه دارد به آن تعلق خواهد گرفت و باعث کاهش آن (سرمایه) خواهد شد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در کنار انگیزه‌های فوق که صبغهٔ مالی دارد، نوع دیگری از انگیزه‌ها را می‌افزاییم. مراد از این انگیزه‌ها انگیزه‌های معنوی و رسالت‌مدارانه است که احساس شخص مسلمان در جامعهٔ اسلامی را متوجه مسئولیت و وظیفه‌اش برای مشارکت در روند توسعهٔ اقتصادی جامعه‌اش می‌سازد و به او انگیزه می‌دهد که همهٔ آنچه را در توان دارد، آن‌گونه که قرآن کریم دستور داده است (انفال/ ۶۰)، برای این کار آماده سازد. این احساس متعهدانه از مهم‌ترین انگیزه‌ها در جامعه‌ای است که ارزش‌های انقلابی اسلامی آن را فراگرفته است و روح رهبری و اهداف بزرگ بر فرزندان و شهروندان آن چیره است. همچنین انگیزه‌های دیگر، مانند نیکوکاری و ایثار و برآوردن نیاز مستضعفان، کسانی که به وام‌های بدون سود از بانک دسترسی خواهند یافت، از نوع انگیزهٔ معنوی و رسالت‌مدارانهٔ فوق است.

چهارم. وقتی کار گردآوری پول به پایان رسید و بانک اسلامی بر اساس آنچه گذشت توانست مقادیر پراکندهٔ پول را دریافت کند و در اختیار گیرد، دو نقش در عرصهٔ به‌کارگیری آن دارد. نقش نخست در زمینهٔ امانت‌هایی است که در قالب اول در اختیار بانک قرار گرفته است. این نقش در موارد ذیل خلاصه می‌شود:

نقش نخست وام‌دادنی بدون سود از این سپرده‌ها به کسانی است که نیازمند وام در زندگی خصوصی خویش هستند. البته این امر باید با احتیاط‌ها و ضمانت‌های برای اطمینان به بازگشت وام همراه باشد.

شیوه دوم به کار گرفتن دارایی‌های فوق در طرحی از طرح‌های تولیدی است که با چارچوب‌های اسلامی جامعه سازگار باشد. اگر خود بانک بهره‌گیری از دارایی‌های فوق را به عهده داشته باشد و خودش متولی این کار باشد، همهٔ سودها مال او (دولت اسلامی) است و اگر با نهادها یا اشخاصی که برای راه انداختن طرح‌های اقتصادی این‌چنینی شایسته‌اند توافق کند سود میان دو طرف قرارداد بر اساس درصدی که در قرارداد توافق شده است تقسیم می‌شود.

شیوهٔ سوم وام دادن بدون سود از این سرمایه به نیازمندانی است که در تأمین کمترین امکاناتی که بتواند زندگی‌شان را تأمین کند هم نیازمندند. اگر نشانه‌های صلاحیت و امانت‌داری در آنان وجود داشته باشد، بانک از طریق وام‌هایی برای پایه‌گذاری طرح‌های تولیدی یاری می‌رساند. این کار پس از توصیه‌ها و توجیهات لازم از سوی بانک و در نظر گرفتن ترتیباتی که بر روند طرح نظارت داشته باشد تحقق می‌یابد.

نقش دوم در زمینهٔ سپرده‌هایی است که به صورت دوم در اختیار بانک قرار گرفته است. بانک در این مورد از این دارایی در طرحی از طرح‌های تولیدی سودمند بهره می‌گیرد. در این صورت، اگر بانک مستقیم متولی کار شد، سود به او و سپرده‌گذار تعلق می‌گیرد و اگر با جهات یا اشخاص دیگر برای اجرای این کار توافق کرد، در برابر این کار نقش واسطه‌گری را دارد (و از مزد واسطه‌گری برخوردار می‌شود). ولی سود میان عاملی که درگیر کار است و صاحبان سپرده‌ها تقسیم می‌شود.

پس از آنکه بانک در جامعهٔ اسلامی نقش خویش را به صورت شایسته و کامل ایفا کرد، رشد سرمایه در سطحی وسیع و به معنای واقعی و میدانی تحقق خواهد یافت و سرمایه به شکل مناسب که طرح‌های تولیدی مختلفی را پوشش دهد فراهم خواهد شد و در نتیجه ما شاهد روی‌آوری گسترده به کارگرانی خواهیم بود که بانک آنان را انتخاب کرده است. اما این انتخاب نه بر اساس توانمندی آنان به پرداخت سود بلکه بر اساس میزان شایستگی آنان در عرصهٔ تولید و بصیرت و نیازمندی آنان تحقق یافته است. بدین‌سان سرمایه به طور گسترده در اختیار کارگر و در دسترس خود نهادها و استعدادهای انسانی تولیدگر قرار می‌گیرد و بانک در همهٔ این موارد نقش توصیه و نظارت و راهنمایی را ایفا خواهد کرد و بخش بزرگی از کمیت تولیدگر و ثروت در حال گردش که سرمایه‌داران (بر اساس ایدهٔ مکتب سرمایه‌داری) آن را به عنوان فایده و سود مطالبه می‌کردند به کارگران و کسانی که خود درگیر کارند بازمی‌گردد. بانک از سوی دیگر از دادن وام به طرح‌های سرمایه‌دارانه و طفیلی که در جوامع سرمایه‌داری نقش حلقه‌های واسطه میان تولیدگر و مصرف‌کننده را بازی می‌کنند خودداری می‌کند.

من می‌گویم بانک از دادن وام به این طرح‌های انگلی خودداری می‌کند و در نتیجه چنین پروژه‌هایی ناپدید می‌شوند و فاصلهٔ میان تولیدکننده و مصرف‌کننده کاهش می‌یابد و ناچیز می‌شود و بدین‌گونه قیمت کالا به قیمت واقعی‌اش یعنی هزینه‌های تولید به اضافهٔ آماده کردن کالا برای فروش در بازار نزدیک می‌شود.

همچنین در سایهٔ بانکداری اسلامی تناقضی که به دنبال سیستم بانکداری سرمایه‌دارانه میان مصالح سرمایه‌داری ربوی و مصلحت‌های تجاری و تولید به وجود می‌آید از بین می‌رود. زیرا هر چه اقبال و گرایش به تولید و تجارت فزونی یابد و تقاضا

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نسبت به سرمایه‌ها تشدید شود سرمایه‌داری رباخوار، در تلاش برای سود بیشتر، نرخ فایده را بیشتر خواهد کرد و زمانی که بازار تولید و تجارت راکد شود بانک‌ها نرخ سود را بر اساس قوانین عرضه و تقاضا کاهش خواهند داد.

اما در جامعهٔ اسلامی موارد فوق وجود ندارد؛ چه اینکه بانک افراد شایسته را برای کار تولیدی برمی‌گزینند، به تهی‌دستان این افراد در جهت پشتیبانی مالی طرح‌های معین وام‌های بدون سود می‌دهد، و با تعدادی از افراد حقیقی و حقوقی صلاحیت‌دار در قراردادهای مضاربه‌ای که مصالح هر دو طرح اقتصادی و بانک را تأمین می‌کند ارتباط می‌یابد. بنابراین، هر چه روی‌آوری به طرح‌های تولیدی افزایش می‌یابد، گرایش بانک در ارائه کردن سرمایه‌ها در قالب قرض‌الحسنه یا مضاربه بیشتر می‌شود. این افزون بر مشارکتی است که بانک‌ها در تعهد و همبستگی اجتماعی دارند و با دادن وام‌های مصرفی که بدون سود به فقیران و مستضعفان در شرایط نیازمندی و بی‌کاری اعطا می‌شود به آنان کمک می‌کند.

این‌گونه است که بانک در جامعهٔ اسلامی بخش اصلی ساختار کامل اقتصاد اسلامی است. این‌ها مبانی کلی برای پایه‌گذاری بانک در جامعهٔ اسلامی است که به موجب آن نقش اساسی خویش را در اقتصاد اسلامی بازی می‌کند؛ نقشی مانند آنچه بانک‌های سرمایه‌داری در اقتصاد سرمایه‌داری بازی می‌کنند.

در بحث آینده این مبانی به صورت کامل و عینی و مشروح تبیین می‌شود.[۱]

عنوان دوم: نگاه جامع و منظم

بر اساس دیدگاه یکی از صاحب‌نظران اقتصاد دانشگاه تهران، با حفظ سیستم قانون سال ۱۳۵۱، حذف ربا تغییر قطعه‌ای از ماشین اقدامات بانکی به حساب خواهد آمد. چون هارمونی مناسب را ندارد (سبحانی، ۱۳۸۴: ۱۰۳۹۳). به تعبیر دیگر، در عقود انفرادی، وظیفهٔ فردی عدم ابتلا به ربا تأمین می‌شود؛ ولی در ساحت حقوق عمومی نارسایی خود را بروز می‌دهد. در اصطلاح اقتصادی در اقتصاد خرد جواب می‌دهد، ولی در اقتصاد کلان استثماری ذوب می‌شود.

اسلام در حوزهٔ حقوق عمومی و اقتصاد کلان حاضر است؛ همان‌طور که در حوزهٔ حقوق خصوصی و اقتصاد خرد نقش‌آفرین است. حسب تصریح رئیس وقت بانک مرکزی، مرحوم دکتر نوربخش، این قانون به‌رغم محاسنی که دارد فقط مرحله‌ای در ساماندهی مالی کشور تلقی می‌شود (تسخیری، ۱۳۹۰: ۶۴۹).

به همین دلیل انتظار داریم طرح فعلی به منزلهٔ مرحلهٔ تکمیلی بعدی به طرف بانک اسلامی به نحو اطلاق نزدیک‌تر شود. مهم سیرت جمهوری اسلامی است که البته قداست صورت نیز از حقیقت محتوا سرچشمه می‌گیرد. آیا همین معنی عقبهٔ اقتصاد مقاومتی و شعار اقدام و عمل مورد نظر مقام معظم رهبری در سال جدید نیست که «العلم و الدین توأمان و اذا افترنا احترقا»؟

عنوان سوم: پدیدهٔ بدهی‌های بانکی

آیا معوقات بانکی بر اثر قانون عملیات بانکی بدون ربا حاصل شده است؟ صاحب‌نظران می‌گویند افزایش بدهی به معنی فاصله گرفتن از قانون است. چون عقود یا مشارکتی هستند یا مبادله‌ای. بنا بر این فرض، نه سپرده‌گذار بدهکار سرمایه‌گذار می‌شود نه سرمایه‌گذار بدهکار سپرده‌گذار. زیرا هر دو شریک‌اند و باید شرایط بازار را تحمل کنند. همان‌گونه که وکیل سپرده‌گذار از شریک دیگر اصل سرمایه و سود آن را مطالبه می‌کند، در عقود مبادله‌ای هم بدهی خریدار به فروشنده است که وثایق آن پیش بانک است، نه بدهی خریدار به بانک. در واقع بانک وکیل بوده است و در این زمینه وظایفی را انجام داده و حق‌الوکاله‌اش را وصول کرده است. چون ایجاد بدهی در عقود مشارکتی بی‌معنی است و در عقود مبادله‌ای هم بیع یا خریدوفروش کالا و خدمت پشتوانهٔ وثیقه‌ای دارد می‌توان گفت اگر بانک به وظایف وکالتی خویش عمل می‌کرد پدیدهٔ بدهی‌ها اصولاً بلاموضوع بود. زیرا بانک وکیل است و طرف مشارکت یا بیع نیست.

عنوان چهارم: ماهیت واقعی پول

پول را باید تعریف کرد. امروزه اقتصاد پولی و نظریه‌های پول تخصصی از تخصیص پول و بانکداری پیچیده‌تر است. اگر حوزه و دانشگاه با هم ماهیت واقعی پول امروزی را با رعایت انصاف علمی مطرح کنند، چه بسا در بسیاری از اظهارنظرها تغییر و تحول حاصل شود. بانک یک مؤسسهٔ پولی است. استفاده از کلماتی نظیر وام، اعتبار، نرخ بهره، نرخ بهرهٔ پلکانی، نرخ بهرهٔ نازل، وام

۱. با تأسف شدید این فرصت برای نویسنده فراهم نشد تا به بخش دوم موضوع بانک در جامعهٔ اسلامی به صورت مشروح بپردازد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مسکن، هزینهٔ پول، پول ارزان، و پول گران یعنی چه؟ آیا اشتباه لفظی است یا به ماهیت عملکرد بانک‌های کشور دارد. این موضوع قابل تعمق و بررسی است. جدال بین بانک مرکزی و وزارت اقتصاد در بعضی دوره‌ها بر سر حفظ نرخ سود تضمین‌شده به چه معناست؟ بانک می‌گوید نرخ باید افزایش یابد و وزارت بر حفظ و کاهش آن اصرار دارد. سود این مشارکت‌های خصوصی در دست بانک است یا در دست سرمایه‌گذار است؟ «پس‌انداز» تابعی از نرخ بهره است یا تابعی از درآمد؟ آیا این انحرافات قرار است وجههٔ قانونی بگیرد؟ آیا طرح جدید رافع مشکلات قانون فعلی است یا بانکداری اسلامی به نحو اطلاق را رقم می‌زند یا قدمی است به سوی بانکداری اسلامی؟ اگر مفردات خوب است ترکیب و نتیجه هم خوب است؟ این قضاوت (حسب نقل) درست است که بانکداری اسلامی پیشنهادی اقتصاددانان مسلمان ملغمه‌ای از عدم فهم درست نظری و خطاهای عملی است؟ (isalamic banking as advanced some moslem economic is story room of error and misunderstanding)

عنوان پنجم: ادلهٔ روانی فاصله در قانون

صاحب‌نظران یکی از شاخصه های فاصله از قانون را جهات روانی و نظری، مثل محدودیت دید و خودباختگی روشنفکران ترجمه‌ای نسبت به موفقیت مطلق بانکداری سرمایه‌داری ارزیابی می‌کنند؛ در حالی که خودشان در آخرین تحقیقات اقتصادی به آثار شوم بانکداری ربوی در ایجاد بحران‌های اقتصادی اذعان دارند. اصولاً در برابر پدیده‌های این‌چنینی دو نوع برخورد وجود دارد: یکی برخورد فعال و عالمانه و به‌گزینی از آن و دیگری رخوت و سستی و ناامیدی و خودباختگی که البته این افراد نه‌تنها خود مولد نیستند، بلکه سر راه گروه اول هستند. به تعبیر یکی از نویسندگان، ما در شبیه‌سازی استاد هستیم! نه به طرف بانکداری اسلامی حرکت جدّی داریم و نه حتی به ملاک‌های بانک‌های متعارف غربی عمل می‌کنیم. اینجاست که مدیریت علمی آگاه و جسور می‌تواند کارآمد باشد.

نکتهٔ دیگر در این زمینه بی‌توجهی به تحریم ربا و آثار شوم عملی آن است. خود غرب معترف است که بانکداری غربی بر اساس رباست. اما عده‌ای در اینجا می‌گویند بانکداری غربی غیرربوی است! گویا غربی‌ها قبل از اینکه ما بدانیم مجری احکام دین اسلام بوده و خودشان توجه نداشته‌اند!

خداوند رباخواری را بی‌برکت و نابود می‌کند. اما صدقات را فزونی و برکت می‌بخشد (بقره/ ۲۷۶). امام صادق(ع) فرموده‌اند: «هرگاه خداوند بخواهد ملتی را نابود کند در میان آن‌ها رباخواری را شایع می‌کند.» (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۳۸۰). امام رضا(ع) فرموده‌اند: «رباخواری سبب نابسامانی اجتماع و ظلم به ضعیفان و نابودی اموال و زندگی آن‌ها می‌گردد.» (حر عاملی، ۱۲۹۰: ۴۲۶). این‌ها مطالب بسیار روشنی است که در عمل خود را نشان داده؛ طوری که گویی این کلمات از دانشمندان اقتصادی عصر حاضر صادر شده است.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، حتی اگر در قالب‌های فردی روش‌های اجرایی و حقوق خصوصی صورت شرعی معاملات بانکی رعایت شود در اقتصاد کلان و حقوق عمومی و جمع‌بندی نهایی موجب عدم تعادل اقتصادی، همچون تورم و بی‌کاری، رکود تورمی توزیع ناعادلانهٔ درآمد و ثروت ناشی از سفته‌بازی و معاملات صوری شده است.

این‌گونه واقعیات زمینه‌ساز جلوگیری از اجرای درست قانون می شود و جلوه‌های آن در بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و برداشت‌های غلط برخی دست‌اندرکاران قابل ملاحظه است.

نکتهٔ دیگر ایجاد فضای مناسب اجرای قانون در چارچوب‌بندی مجدد و متناسب سازمان و عبور از وضع موجود به وضع مطلوب است که این رویکرد صاحبان ارادهٔ استوار و کمربسته را لازم دارد و این وظیفه‌ای مهم است که در مرحلهٔ تحول وجود داشت.

در این مقوله برخی کوشش‌ها انجام شد؛ لکن در مقیاس کوچک. دوره‌های آموزش کوتاه‌مدت برای تعداد محدودی از پرسنل بانکی کشور برگزار شد؛ ولی به طور شایسته پرسنل بانکی برای پذیرش امتیازات به‌وجودآمده در قانون جدید و رضایت از آن آماده نشدند.

نکتهٔ دیگر پژوهش در زمینه‌های مختلف پول و بانکداری است که این مهم به نحو قابل توجهی رشد یافته؛ ولی اهمیت مطلب تا آنجاست که این مقدار تلاش پاسخگوی نیاز نیست.

بحث نظریه‌پردازی در همهٔ زمینه‌های علوم انسانی لازم است و البته در این عرصه بیشتر بحث‌های بین‌رشته‌ای در همهٔ

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

زمینه‌ها اقتضا دارد و در این بحث بیشتر فقه و حقوق باید بحث‌های تلفیقی با اقتصاد را جدّی بگیرند تا فقه و حقوق اقتصادی بتواند نتیجهٔ جامع بی‌دغدغه‌ای را ترسیم کند (← توتونچیان، ۱۳۸۴: ۷۸۱).

عنوان ششم: بانکداری اخلاقی

«اخلاق» گاهی در حد رفتارهای فردی محدود می‌شود و گاهی در سطح کلان جامعه یا سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی بروز و ظهور می‌یابد. امروزه، بانکداری اخلاقی یکی از نظریات مطرح در سطح جهان است. محوری بودن ارزش‌های اخلاقی در بانکداری اخلاقی موجب شده برخی اقتصاددانان این نوع از بانکداری را تا حدود زیادی مشابه بانکداری اسلامی بدانند.

در جهت برقراری نظام اخلاق حرفه‌ای در نظام بانکداری اسلامی، چند موضوع را حسب تحقیق برخی از محققان باید ملاحظه و لحاظ کرد:

الف) تعیین خط‌مشی اخلاقی

ارزش‌ها، باورها، اصول اقتصاد اسلامی، اسناد و قوانین و مقررات بالادستی نظام بانکی گویای خط‌مشی کلی اخلاق حرفه‌ای در نظام بانکداری اسلامی است. تجارب و سوابق نظام‌های بانکی سایر کشورها، که در حیطهٔ بانکداری اخلاقی به پیشرفت‌های چشمگیری دست یافته‌اند، در تعیین مصادیق اخلاقی مؤثر است.

ب) تدوین ضوابط اخلاقی

ضوابط اخلاق حرفه‌ای نظام بانکی که موجب پدید آمدن «نظام بانکداری اخلاقی» می‌شوند در سه دستهٔ منطقی ارائه می‌شود:

۱. ضوابط اخلاق حرفه‌ای درون‌بانکی

این ضوابط به رعایت اصول و ارزش‌های اخلاق عمومی کارکنان و مدیران بانک، رابطهٔ مدیران با کارکنان بانک، رابطهٔ کارکنان بانک با مشتریان خود، و رابطهٔ بانک با سهامداران خود اشاره دارد. رعایت این ضوابط افزایش شهرت و اعتبار بانک، افزایش رفاه و رضایتمندی کارکنان و مدیران و سهامداران و مشتریان بانک، افزایش مشتریان و منابع بانکی، و کاهش هزینه‌های ناشی از تخلف و فساد اداری را موجب می‌شود.

۲. ضوابط اخلاق حرفه‌ای بین‌بانکی

این ضوابط به رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی در مورد رابطهٔ بانک‌ها با بانک مرکزی و رابطهٔ بانک‌ها با یک‌دیگر اشاره دارند. رعایت این ضوابط پیامدهایی دارد:

- انسجام و اتحاد بیشتر نظام بانکی؛
- مدیریت بهتر نظام پولی و مالی کشور توسط بانک مرکزی؛
- افزاش کارآیی و بهره‌وری نظام بانکی؛
- پیگیری مستمر اهداف مشترک بانکی؛
- تقویت زیربناهای مالی بانک‌ها در مواجهه با بحران‌ها و رویدادهای پیش‌بینی‌نشده؛
- انتقال تجربیات و ایجاد همبستگی و همکاری چندجانبه به منظور ارتقای فناوری؛
- سرعت بخشیدن به بومی‌سازی محصولات جدید عرضه‌شده در عرصهٔ بانکداری بین‌المللی.

۳. ضوابط اخلاق حرفه‌ای فرابانکی

رعایت این ضوابط پیامدهایی دارد:

- محافظت از مصالح اجتماعی- سیاسی و حقوق شهروندی عامهٔ مردم؛
- محافظت از منابع بین‌نسلی؛
- محافظت از محیط زیست؛
- ترویج اصول فرهنگی اخلاقی در سطح جامعه؛
- توزیع عادلانهٔ درآمدها؛
- قوام و پیشرفت اقتصادی؛

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ـ کاهش مشکلات طبقاتی؛

ـ حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر و طبقات محروم جامعه.

ج) تدابیر ساختاری

«تدابیر ساختاری» پیشنهادی از چهار بخش عمدهٔ «ابلاغ و آموزش»، «نظارت و بازرسی»، «ارزیابی و رتبه‌بندی»، و «اصلاح و بهبود عملکردها» تشکیل می‌شود و در این میان آموزش یکی از اصلی‌ترین راهکارهای آماده‌سازی نیروها در برابر معضلات و نارسایی‌های اخلاق حرفه‌ای است که تا حدود زیادی بانک‌ها را در برابر کژمنشی‌ها بیمه می‌کند.

در این میان، بانکداری اسلامی اخلاقی‌ترین نوع بانکداری تلقی می‌شود که با رعایت اصول و موازین اسلامی در رفتار مالی و بانکی، اجرای صحیح عقود اسلامی، پرهیز از غرری و صوری شدن معاملات، و پرهیز از آلوده شدن به ربا تعهد خودش را به اسلام اثبات می‌کند و در تعامل با کارکنان و سهامداران و ذی‌نفعان و مشتریان، رفتار سازمانی مناسب، بانک اسلامی را خواهند داشت که نه‌تنها به عنوان بانکداری بدون ربا، بلکه بالاتر به عنوان نهادی پیشرو و فعال در بانکداری اسلامی هویت می‌یابند و این خواه‌ناخواه بازار فعالیت گستردهٔ ویژه‌ای برای این بانک ایجاد خواهد کرد (وهاب و عیوض‌لو، ۱۳۹۳: ۱۹۳).

اکنون سخن این است که بانکداری فعلی در کشور ما و طرح جدید چقدر می‌تواند ما را به بانکداری اخلاقی اسلامی نزدیک و نزدیک‌تر کند؟ تلاش علمی و عملی در جهت تحقق این معنای متعالی آرزوی هر ایرانی مسلمان معتقد به احکام اسلام و انقلاب اسلامی و دانشگاهیان آشنا با حقوق و اقتصاد و معتقد به کارآیی فقه سنتی و پویای ماست و چنین باد (وهاب و عیوض‌لو، ۱۳۹۳: ۱۹۳).

عنوان هفتم: محسّنات طرح

طرح جدید محسناتی دارد که فهرست‌وار بدین گونه است: تقلیل عقود، تناسب عقود با بانک مربوطه، واقعی شدن عقود، روان شدن عملیات بانکی، تقلیل هزینهٔ عملیاتی، انتخاب بانک متناسب با هدف از طرف سپرده‌گذاران و متقاضیان تسهیلاتی، و مهم‌تر از همه شورای فقهی.

ضمناً از آنجا که تنوع نیازهای سپرده‌ای و تسهیلات مشتریان و اختلاف در تطبیق آن‌ها با عقود شرعی و اختلاف فتاوای فقها از موضوعات فقهی پدیده‌ای به نام «ریسک شریعت» را رقم زده است ضرورت وجود چنین شورایی دوچندان می‌نماید. صرف عنوان اسلامی بودن بانک نمی‌توان به معاملات آن اعتماد کرد و بی‌تردید ابداع انواع ابزارهای نوین نیازهای متنوع و متمول فعالان اقتصادی را پوشش نمی‌دهد؛ طوری که بسنده کردن به ابزارها یک‌سوم بانکداری اسلامی را از صحنه خارج می‌کند.

عنوان هشتم: تحریم ربا

تحریم ربا به دلیل ایجاد سرمایه‌داری لجام‌گسیخته از این رهگذر است. ربا سرمایه‌داری بی‌حدوحصر را در پی دارد، نه تقویت سرمایهٔ مولد را. معاملات صحیح در سه دسته قابل احصا هستند:

ـ قراردادهای غیر انتفاعی، مثل قرض‌الحسنه؛

ـ قراردادهای انتفاعی، یعنی نقد، نسیه، سلف، اجاره، جعاله، استصناع؛

ـ قراردادهای انتفاعی با سود انتظاری مشارکتی، شرکت، مضاربه، مساقات و مزارعه، و دست‌آخر وکالت و صلح که قراردادهای انعطافی است و در هر یک از سه گروه یادشده جای می‌گیرد.

عدم ربا موجب ثبات و کارآیی و عدالت است. وقتی به جای بهره به میزان مناسب از عقد مشارکتی و مبادله‌ای استفاده شود، بحران کمتری پیش خواهد آمد و توسعهٔ اقتصادی بیشتری در پی خواهد داشت.

عنوان نهم: دغدغه‌های طرح

طرح مشتمل بر چند دغدغه است: دغدغهٔ شریعت، دغدغهٔ اقتصاد، دغدغهٔ عدالت.

۱. دغدغهٔ شریعت

نمی‌توان گفت قانون اشکال شرعی ندارد و بیشتر اشکال در اجرا شدن صوری عقود است؛ لکن می‌توان گفت قانون دچار خلأ است. آسیب‌شناسی و کیفیت اجرا، تا جایی‌که به قانون مربوط می‌شود، باید اشکال شرعی را کاهش دهد و به صفر برساند؛ مثل جریمهٔ تأخیر تأدیه.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ابتدا تصور می‌شد قانون که درست شد دیگر کسی تأخیر پرداخت ندارد. اینکه جریمهٔ تأخیر پرداخت وضع شود، آیا کلاً ربوی و حرام است در خود قرارداد طی شرط ضمنی عقد آن را توجیه کنیم طی عقد مستقلی بیش از تسهیلات به عنوان یک عقد تبعی آن را قرار دهیم به شکل درصدی باشد یا به شکل عددی در حرمت این نکته در صورت قرض تردیدی نیست. در قراردادهای انتفاعی چطور؟ یعنی قراردادی که منتهی به دین نباشد در مشارکت باشد. به نظر می‌رسد زمانی می‌توان به یک راه‌حل مشروع و مقبول دست یافت که به فلسفه و حکمت تحریم ربا، ماهیت انتفاعی و واسطه‌گر بانک، ضرورت تفکیک بین مشتریان مختلف، حکمت حلیت معاملات به‌ظاهر مشابه مانند مرابحه، ساختار بازارهای مالی اسلامی، شیوهٔ حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر و مسئولیت دولت اسلامی، از جمله مسئولیت پرداخت بدهی بدهکاران درمانده، کشف راهکاری که همهٔ این ویژگی‌ها را در نظر بگیرد و با همهٔ معیارها سازگار باشد. اخیراً پیشنهاد شده است که جریمهٔ تأخیر به عنوان تخلف قانونی هر نوع تأخیر در پرداخت‌های بانکی از نظر قانون کشور تخلف جریمه‌ساز باشد و جریمه به خزانهٔ دولت واریز شود.

۲. دغدغهٔ اقتصاد و عدالت

در اقتصاد اسلامی بخش اعتباری باید در خدمت بخش واقعی باشد. مأموریت بانک جمع‌آوری سرمایه و قرار دادن در اختیار فعالان است؛ لکن همان‌طور که می‌دانیم نظام بانکی مدرن شاخصهٔ عدالت را رعایت نمی‌کند. آیا تخصیص منابع عادلانه بوده است؟ در بخش نرخ‌ها چطور؟ مثلاً خانه را فروخته، پول و سود را جمع کرده، اما اکنون نمی‌تواند همان خانه را بخرد.

عنوان دهم: جریمهٔ تأخیر

مسئلهٔ مطالبات معوق یکی از چالش‌های اساسی نظام بانکی کشور بوده است و طراحی شیوه‌های عملیاتی اسلامی برای حل این مشکل ضرورتی انکارناپذیر است. با تأیید شورای محترم نگهبان، مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۸، دریافت مبلغی به عنوان جریمهٔ تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی، در صورتی که به عنوان شرط ضمن عقد در متن قراردادها آمده باشد، مجاز است که مبنای عملکرد نظام بانکی کشوری باشد.

البته جواز دریافت تأخیر به صورت شرط ضمن عقد، گرچه در ظاهر اطلاق دارد، با توجه به قوانین اعسار و ورشکستگی شامل اشخاص حقیقی حقوقی در وضعیت خاص نمی‌شود. علاوه بر این، پنج عامل جواز فقهی، تفکیک بین مشتریان بدحساب و خوش‌حساب، بازدارندگی، جبران خسارت، و سادگی باید در این امر مورد لحاظ و ملاحظه واقع شود (موسویان، ۱۳۹۲: ۴۵۰). جریمهٔ دیرکرد مفهومی متفاوت از خسارت تأخیر تأدیه دارد که این‌ها در تعیین حکم شرعی، تعیین مسئول دریافت مبالغ جریمه، و نیز نرخ جریمه تأثیر دارد. قائلان به عدم مشروعیت دریافت زیاده معتقدند که این شرط اگر در قرارداد قرض باشد شرط انتفاع محسوب می‌شود و اگر در عقدهای دیگر باشد مصداق ربای جاهلی است و جریمهٔ دیرکرد به صورت شرط فعل دارای این نتیجهٔ تفکیکی است و در صورت عدم عمل به تفکیک امر به محاکم قضایی ارجاع می‌شود.

ادله‌ای که به حرمت ربا دلالت دارد دریافت هر گونه زیاده بر رأس‌المال را به طور مطلق غیر مشروع می‌داند. به بیان استادانه، مشکل تأخیر در بازپرداخت بدهی‌ها از مشکلات مهمی است که بانکداری اسلامی در حال حاضر با آن مواجه است. شاید چیزی که اهمیت این مشکل را افزون می‌سازد این است که بیشتر بانک‌های اسلامی از روش‌های تأمین مالی استفاده می‌کنند که به دیون منتهی می‌شوند؛ مانند فروش مرابحه. بدین جهت، درصد بالایی از سرمایه‌های بانک‌های اسلامی را، که گاهی بیش از ۹۰ درصد سرمایه‌های آن‌هاست، دیون تشکیل می‌دهد. از این رو، مشکل تأخیر در بازپرداخت بدهی‌ها بر این بنگاه‌ها تأثیر فراوانی می‌گذارد.

روشن است که فعالیت اساسی بانک‌ها (از جمله بانک‌های اسلامی) تأمین مالی است. در حالی که بانک‌های سنتی از روش قرض برای تأمین سرمایه استفاده می‌کنند. بیشتر بانک‌های اسلامی برای تحقق این هدف از معاملات مدت‌دار بهره می‌گیرند. مقدار زیاده در روش اول همان ربای نسیه و حرام است. اما زیاده در روش دوم سود و مجاز است. البته هر گونه زیادهٔ مجدد در هر دو روش بدون شک ربای جاهلی به شمار می‌رود که با عبارت «مهلت بده، بیشتر می‌دهم» یا «آیا می‌پردازی یا افزون می‌کنی؟» بیان می‌شود و به‌رغم آنکه زیاده بار اول در بیع در مقابل مدت جدا از بهای فروش ظاهر نمی‌شود، بدون تردید، طول مدت معامله در این قیمت لحاظ می‌شود. بنابراین، در فروش مرابحه بانک‌ها برای خود چیزی به صورت نرخ سود تعیین می‌کنند و آن نشان‌دهندهٔ درصدی است که سالیانه محاسبه می‌شود و با افزایش طول مدت افزون و با کاهش مدت کم می‌شود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

آنچه بانک‌ها برای دست یافتن به آن می‌کوشند، همچون همهٔ بنگاه‌های بخش خصوصی، تحقق سود است. ولی این سودها محقق نمی‌شود، مگر مشتری ملتزم باشد بدهی خود را در زمان تعیین‌شده و بدون تأخیر بازپرداخت کند. زیرا تأمین مالی که به آن اشاره شد به زمان پیوند خورده است. اگر مشتری در بازپرداخت تأخیر کند، سود مورد انتظار بانک تحقق نمی‌یابد؛ گرچه او بدهی خود را به طور کامل بپردازد. در حالی که عصر حاضر به عصر سرعت و برنامه‌ریزی دقیق برای آینده شناخته می‌شود (مسئله‌ای که بازپرداخت به‌هنگام بدهی‌ها را دارای اهمیت بسیاری ساخته که در گذشته این میزان اهمیت را نداشته است). بازرگانان به بستن قراردادهای خرید در سررسیدهایی هماهنگ با زمان پیش‌بینی‌شده با درآمد حاصل از فروش‌های مدت‌دار خود اقدام می‌کنند. حال اگر بازپرداخت معاملات گروه دوم با تأخیر همراه شود، معاملات گروه نخست نیز اختلال می‌یابد و چه بسا به مشکلی می‌انجامد که بر حسن جریان کار بنگاه و فعالیت آن تأثیر می‌گذارد یا گاهی به ورشکستگی بنگاه می‌انجامد.

ممکن است کسی بگوید که این دیون همواره با تضمین‌های معین و مشخص و وثیقه‌ها پیوند خورده است. بنابراین، هر گاه مشتری در بازپرداخت تأخیر کند، بانک می‌تواند آن‌ها را به اجرا گذارد و طلب خود را وصول کند. ولی واقع امر خلاف این است. زیرا معروف است که قدرت ضمانت‌ها پایه و اساس تأمین مالی نیست؛ بلکه اساس اعتماد به مشتری است. افزون بر اینکه این ضمانت‌ها را در صورت تأخیر جز به حکم قضایی نمی‌توان به اجرا گذاشت و آن نیز فرصت طولانی می‌طلبد، در موارد بسیار بانک‌ها مناسب نمی‌بینند که در نخستین لحظهٔ تأخیر در بازپرداخت به سرعت به دادگاه رجوع کنند. این اقدام را آن‌گاه انجام می‌دهند که سایر اهرم‌ها برای واداشتن بدهکار به بازپرداخت از کار افتاده باشد. معنای آن این است که کار وقتی به دادگاه می‌کشد که با گذشت زمان و طولانی شدن مدت سود بانک از دست رفته باشد و معلوم است که هر گونه افزایش بدهی پس از ثبوت دین بر عهدهٔ بدهکار همان ربای جاهلیت است که بر حرمت آن اجماع وجود دارد. پس، هنگام تأخیر مشتری، جایز نیست در ازای سود ازدست‌رفته به سبب تأخیر پرداخت مبلغ بدهی افزایش داده شود. البته معنای آن این نیست که جایز است بدهکار در بازپرداخت تأخیر کند. زیرا شریعت بر حفظ حقوق تأکید دارد. از این رو تأخیر پرداخت را از کارهای زشت بلکه حرام دانسته و کیفر مرتکب آن را روا شمرده است. پیامبر(ص) فرمود: «مطل الغنی ظلم.»؛ تأخیر ثروتمند در پرداخت بدهی ستم است (بخاری و مسلم).

اینجا دو مسئله وجود دارد: نخست آنکه این کیفر که شرع روا دانسته کیفر معنوی و بدنی است نه کیفر مالی و دوم آنکه جز به حکم قاضی پس از اثبات اینکه تأخیرکننده توانا و ثروتمند است اجرا نمی‌شود. زیرا صریح قرآن است که به بدهکار ناتوان باید مهلت داد تا توانا شود. «و ان کان ذو عسره فنظره الی میسره.» (بقره/ ۲۸۰).

بدون تردید، امانت‌داری و اخلاق عمومی در جوامع کنونی زیر سطح مطلوب است و تجربهٔ عملی بسیاری از بانک‌های اسلامی نشان می‌دهد که اگر مهار افراد برداشته شود، مرتکب خلاف‌های بزرگ می‌شوند و بیشتر آنان به دلیل اطمینان خاطر از پایان کار در بازپرداخت بدهی‌ها به تأخیر گرایش دارند. بنابراین اگر به بانک‌های اسلامی بگوییم در برابر این پدیده مسامحه کنند، بانک‌ها را در وضعی قرار داده‌ایم که نمی‌توانند با بانک‌های سنتی هم‌گام شوند و به رقابت بپردازند. زیرا بانک‌های سنتی اهرمی برای واداشتن بدهکاران به بازپرداخت در سررسید دارند و بدهکاران می‌دانند که تأخیر برای آنان هزینه خواهد داشت. این کار با افزایش و انباشت بهره‌های تأخیری صورت می‌گیرد. حال آنکه بانک‌های اسلامی چنین اهرم وادارکننده‌ای ندارند.

آثار منفی این مشکل بر کار بانکداری اسلامی

این مشکل آثار سوء بر کار بانکداران اسلامی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

الف) گرایش بانک‌های اسلامی به افراط در گرفتن وثیقه و ضمانت‌ها که در نتیجه امکان استفاده از تأمین مالی را محدود به گروه ثروتمندان می‌کند. زیرا آنان توانایی ارائهٔ ضمانت های ممتاز را دارند و این از خطرهای بزرگ است. چون به گردش انحصاری ثروت در دست ثروتمندان منتهی می‌شود و این بدون شک بدترین نتیجهٔ بانکداری ربوی است که بانکداری اسلامی برای تغییر آن پدید آمده است.

ب) نظر به اینکه احتمال تأخیر پرداخت در هر تأمین مالی وجود دارد بانک‌های اسلامی به سوی این فرض گرایش یافته‌اند که هر مشتری در مظان تأخیر است. بر این اساس، به بالا بردن نرخ سود خود اقدام می‌کنند تا اگر چنین تأخیری حاصل شد جبران آن باشد. زیرا پس از تثبیت دین در عهدهٔ مشتری نمی‌توانند به جای تأخیر در پرداخت عوضی را مطالبه کنند. این اقدام به

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

این نتیجه انجامیده که تأمین مالی با روش اسلامی در مقایسه با روش ربوی هزینهٔ بیشتری را در بر داشته باشد و از این روی مدت مدیدی است که از بانک‌های اسلامی به سبب سنگینی هزینه‌ها انتقاد شده است. بدین جهت، اهرمی که بتواند مشکل تأخیر پرداخت را حل کند تأثیر خوبی بر این مسئله خواهد داشت. کیفر پرداخت اضافه را فقط برای تأخیرکنندگان باید قرار داد.

ج) از آثار این مشکل این است که بانک‌ها از جذب مشتریان ممتازی که تأخیر پرداخت نداشته باشند ناتوان شده‌اند. زیرا نمی‌توانند بین امانت‌دار متعهد و تأخیرکننده تفکیک کنند و چون نرخ سود را با فرض اینکه همه از نوع دوم‌اند تعیین می‌کنند نتیجه آن می‌شود که بیشتر مشتریان از همین نوع می‌شوند و بدون شک این از بدترین مشکلاتی است که این بانک‌ها با آن مواجه‌اند.

پیشنهادهایی برای حل مشکل

شرع مقدس بر خوش‌حسابی تأکید کرده و به ادای امانت‌ها و پرداخت بدهی‌ها به صاحبان آن‌ها امر فرموده و از تأخیر در پرداخت دیون نهی کرده است؛ مگر آنکه بدهکار تنگ‌دست و از پرداخت بدهی ناتوان باشد. پیامبر خدا(ص) تأخیر ثروتمند توانا در پرداخت بدهی را ظلم دانسته آنجا که فرموده: «لیُّ الواجد یحل عرضه و عقوبته.»؛ سرپیچی دارا (از پرداخت بدهی) آبرو و کیفر او را روا می‌سازد. یعنی شرع انواعی از عقوبت را بر ثروتمند تأخیرکننده مجاز شمرده است.

اصل کیفر بدهکار ثروتمند تأخیرکننده، بدون شک، اصلی پذیرفته در شریعت است. در حالی که شرع اقدام به عقوبت متخلف را مجاز می‌داند و از چنین کاری بازمی‌دارد، از پرداخت عوض مالی به طلبکار به جای زیان ناشی از فوت فرصت سرمایه‌گذاری و سود جلوگیری می‌کند. روشن است که بهرهٔ دیرکردی که بانک‌های سنتی بر بدهکار تأخیرکننده وضع می‌کنند از جهاتی شبیه مجازاتی است که شریعت آن‌ها را تأیید کرده و از جهاتی با این مجازات متفاوت است. از جهت اینکه بهرهٔ دیرکرد نوعی کیفر برای بدهکار تأخیرکننده است و مانع تأخیر در پرداخت بدهی است، شبیه آن مجازات است و از جهت اینکه جریمهٔ تأخیر زیاده‌ای به نفع طلبکار است که در شرع ممنوع است با آن‌ها تفاوت دارد. از حیث دیگری نیز با آن‌ها متفاوت است و آن بی‌توجهی به توانایی بدهکار در پرداخت جریمهٔ دیرکرد است.

دیدگاه کارشناسی در بانکداری گذشته و حال بر ضرورت وجود عامل کیفر و بازدارندگی تأکید دارد. زیرا، بدون وجود آن، حقوق و تعهدات از بین می‌روند و روشن است که به هرج‌ومرج و بی‌ثباتی در دادوستدهای مالی و ستم متقابل بین مردم می‌انجامد.

ممکن است کسی بگوید اقدام‌هایی که شرع اجازه داده برای تحقق مقصود از مجازات کافی است و این (بدون تردید) سخن صوابی است. ولی مشکل در موارد ذیل است:

الف) کیفرهای شرعی را جز با دستور قضایی نمی‌توان اجرا کرد و این بدان معناست که هر چه با تأخیر همراه باشد (تا هنگام تعیین کیفر بر تأخیرکننده) زمان طولانی را فرامی‌گیرد و چه بسا هزینه‌های سنگینی بر طلبکار تحمیل کنند؛ به‌ویژه در حال حاضر که اقدام‌های قضایی بسیار پیچیده و پرهزینه و بار دادگاه‌ها با انواع مسائل و مشکلات سنگین شده است.

این سخن تازه‌ای نخواهد بود که بگوییم هزینهٔ سرمایه‌گذاری برای بانک طلبکار بر اساس زمان محاسبه می‌شود. بنابراین، صرف استرداد طلب برای بانک سود پدید نمی‌آورد. باید این استرداد در زمان معین صورت گیرد. پس اگر این مهلت طولانی شود یا با وجود تأخیر هزینه‌های اضافی بر بانک بار شود، زیان پدیدار خواهد شد. حتی اگر همهٔ اقساط بدهی دریافت شود.

ب) چون شرع بدهکار تنگ‌دست را از کیفر تأخیر در پرداخت معاف شمرده و به عقوبت بدهکار تأخیرکنندهٔ دارا بسنده کرده است، طلبکار (بانک) باید وضع بدهکار را بررسی کند. اگر تنگ‌دست است، باید به او مهلت دهد تا توانا شود؛ چنان که خدای تعالی فرمود: «و ان کان ذو عسره فنظره الی میسره.»؛ اگر ناتوان است مهلت داده شود تا توانا شود.

حال آنکه اگر بانک‌ها ملزم باشند دارا بودن تأخیرکننده را ثابت کنند تا مجازات بر تأخیر ممکن شود کیفر بدهکار تأخیرکننده امری مشکل می‌شود و تأخیرکنندگان در برابر کیفر احساس امنیت می‌کنند که باعث تشویق آنان به ادامهٔ تأخیر خواهد شد و مشکل آن‌گاه پیچیده‌تر می‌شود که وضع کنونی بانک‌های اسلامی را بدانیم که بیشتر آن‌ها بر اساس قوانینی کار می‌کنند که از فعالیت آن‌ها حمایت کافی نمی‌شود و ویژگی‌های کار بانکداری اسلامی در نظر گرفته نمی‌شود و این بانک‌ها نیازمند انواعی از اقدام‌های قانونی‌اند که بانکداری سنتی به آن‌ها نیاز ندارد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شرع مقدس اصل کیفر بدهکار تأخیرکننده را جایز شمرده است و کیفر مالی را به شکل زیان دیرکرد ممنوع دانسته تا مبادا معامله‌ای که در اصل حلال است، مانند فروش اقساطی یا مرابحه، به ربای جاهلی، که حرمت آن قطعی است، مبدل نشود. بنابراین، هدف طرح این است که مجموعه‌ای از اقدام‌های کیفری به اجرا گذاشته شود که جلوی تأخیر پرداخت را بگیرد و در عین حال به روش ممنوع نینجامد. این طرح مبتنی بر وضع جریمهٔ دیرکرد بر هر تأخیرکننده و ایجاد صندوق ویژه برای واریز این جریمه‌هاست. بنابراین، طلبکار از این جریمه‌ها سودی نمی‌برد تا به ربا نینجامد؛ بلکه آنچه در این صندوق جمع می‌شود به کارهای خیر و کمک به نیازمندان تخصیص می‌یابد. در نتیجه، هدف بازدارندگی از تأخیر پرداخت که برای حسن گردش دادوستد مالی ضرورت دارد تحقق می‌یابد، بدون اینکه ربای دین که شرعاً ممنوع است محقق شود.

در این طرح از مهلت دادن افراد تنگ‌دست تا زمان توانا شدن غفلت نشده است. ولی بار اثبات تنگ‌دستی را به جای طلبکار بر عهدهٔ بدهکار می‌گذارد و همواره فرض می‌کند که بدهکار توانایی پرداخت بدهی را دارد. در غیر این صورت، او باید با شواهد و قراینی که بانک می‌پسندد ناتوانی خود را اثبات کند. اگر انجام داد، جریمه‌های دیرکرد به او برگردانده می‌شود. بدین‌گونه هر استفاده‌کننده از تأمین مالی بانک می‌داند که تأخیر پرداخت هزینه دارد و بدان اقدام نمی‌کند و برای بدهکار (پس از اخذ جریمه) فرقی نمی‌کند که برای اهداف خیرخواهانه مصرف شود یا در راه دیگر. زیرا در این روش، بدون تردید، بازدارندگی تحقق می‌یابد و هدف از طرح پیشنهادی همین است (سبحانی، ۱۳۹۱: ۵۳۷ ـ ۵۴۳).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع

بروجردی، سید حسن (۱۴۲۹). *جامع احادیث شیعه*. قم: فرهنگ.

تسخیری، محمدعلی (۱۳۹۰). *اقتصاد اسلامی*. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

توتونچیان، ایرج (۱۳۸۴). *پول و بانکداری اسلامی*. تهران: توانگران.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.

خمینی، روح‌الله (بی‌تا). *تحریر الوسیله*. قم: دارالعلم.

سبحانی، حسن (۱۳۸۴). *گسترهٔ اقتصاد اسلامی*. تهران: سمت.

صدر، سید محمدباقر (۱۴۲۸). *الاسلام یقود الحیات*. قم: دارالصدر.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *اصول کافی*. تهران: دار الکتب الاسلامی.

گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۰۵). *مجمع المسائل*. قم: دار القرآن.

موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۸۲). *مشروعیت خسارت تأدیه*. *متین*، ۵(۱۹)، ۳ ـ ۲۲.

موسویان، سید عباس (۱۳۸۴). بررسی فقهی‌ـ حقوقی قوانین مربوط به خسارت تأخیر تأدیه در ایران. *فقه و حقوق*، ۱(۴)، ۱۱ ـ ۳۸.

ـــــــــــــــ (۱۳۹۲). *طرح تحول نظام بانکی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی.

میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۷). *غنائم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

نراقی، ملامهدی (۱۴۱۷). *عوائد الایام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

واعظزاده، محمد (۱۳۸۲). *بانکداری بدون ربا (مجموعه مقالات)*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس. ج ۳.

وهاب، قلیچ و عیوض‌لو، حسن (۱۳۹۳). *بانکداری اسلامی با رویکرد اخلاقی*. تهران: پژوهشکدهٔ بانکی.

The Holy Qur'an.

Boroojerdi, SH. (2008). *Jame' Ahadis al-Shie*. Qom: Farhang. (in Arabic)

Golpaygani, MR. (1984). *Majma' al-Masa'el*. Qom: Dar al-Quran. (in Persian)

Ja'fari Langroudi, MJ. (2002). *Mabsoot Dictionary Terms of Law*. Tehran: Gang-e-Danesh. (in Persian)

Koleini, M. (1986). *Osul Kafi*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamia. (in Arabic)

Mirzaye Qomi, AQ. (1996). *Ghana'em*. Qom: Islamic Propagation Office. (in Arabic)

Moosawi Khomeini, SR. (n.d). *Tahrir al-Wasila*. Qom: Dar al-elm. (in Arabic)

Musavi Bjnoordi, M. (2003). Legitimacy of compensation. *Journal of Mateen*, 5(19), 3-22. (in Persian)

Musavian, SA. (2005). Jurisprudential-legal review of laws related to Legitimacy of compensation in Iran. *Fiqh and Law Quarterly*, 1(4), 11-38. (in Persian)

----------. (2013). *Banking system transformation plan*. Tehran: Publishing Organization of Islamic Culture and Thought Research Institute. (in Persian)

Naraqi, MM. (1996). Qom: *'Ava'ed al-Ayyam*. Qom: Islamic Propagation Office. (in Arabic)

Sadr, SMB. (2007). *Al-Islam Yaqood al-Hayat*. Qom: Dar al-Sadr. (in Arabic)

Sobhani, H. (2005). *Scope of Islamic economy*. Tehran: Samt. (in Persian)

Tabarsi, F.H. (1987). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beyrut: Dar al-Marefa. (in Arabic)

Tabatabayee, SMH. (1993). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamia. (in Arabic)

Taskhiri, MA. (2011). *Islamic economy*. Tehran: World Assembly of Ahl al-Bayt. (in Persian)

Tootoonchian, I. (2005). *Money and Islamic Banking*. Tehran: Tavangaran. (in Persian)

Vaezzadeh, M. (2003). *Interest-free banking (Researches)*. Mashhad: Astan Quds Research Foundation. (in Persian)

Vahhab, Q. & 'Eyvazloo, H. (2014). *Islamic banking with an ethical approach*. Tehran: Banking Research Institute. (in Persian)

Archive of SID.ir